خواهی که فاعل او را بیفکنی و فعل مستقبل مجهول را
یاد کنی علامت مضارع را بضم کن و عین فعل را
بفتح کن و لام فعل را بحال خود بگذار چون
لم یفعل لم یفعلا لم یفعلوا لم
تفعل لم تفعلا لم یفعلن
لم تفعل لم تفعلا لم تفعلوا
لم تفعلی لم تفعلا لم تفعلن لم افعل
لم نفعل فصل این همه که گفتم جحد فعل مضارع
مجهول بود چون خواهی که نفی تأبید کنی بلن لن در اول
او در آر چون لن در اول فعل مضارع در آید چهار
عمل کند اول آنکه در مفرد صحیح آخر کلمه
را نصب کند چنانچه معتل لام واوی و یای را

چون

چون لن یضرب و لن یدعو و لن یرمی دوم آنکه
نون از تثنیها و جمعها مذکر و در وحدان مخاطبه
مؤنث ساقط کند سیوم آنکه در مفرد معتل لام
الفی نصب در وی تقدیری باشد
و ظاهر نشود چون لن یخشی چهارم آنکه
معنی او نفی ابد کند فصل نفی تأبید
مستقبل معروف چون لن یفعل
لن یفعلا لن یفعلوا لن تفعل
لن تفعلا لن یفعلن لن تفعل
لن تفعلا لن تفعلوا لن تفعلی
لن تفعلا لن تفعلن لن افعل
لن نفعل فصل نفی تأبید مستقبل

Copyright © King Saud University